**آیا جنبش رهایی بخشی که متحد کارگران و مزدبگیران ضد سرمایه باشد، وجود دارد؟**

حقیقت امر این است که ما در این عصر به غیر از کارگران و مزدبگیران جنبش رهایی بخشی که در جهت نابودی سیستم سرمایه داری مبارزه کند را نداریم و یا با آن مواجه نیستیم.‌ خیزش‌های مختلفی که برای بدست آوردن مطالباتشان حاکمان سیاسی را با در گیری خیابانی و یا اعتصابات به چالش می کشند نشان داده اند که بدلیل کوته اندیشی بعد از مدتی کوتاه فروکش کرده و مواجه با شکست می شود. خیزش خاورمیانه ، خیزش زن زندگی آزادی و خیزش های دیگر بدلیل هدفمند نبودن دچار تزلزل و بخشن به بی راه می روند. بر این بستر هر نیرو و ایدئولوژیی می تواند این خیزش ها را آز آن خود کند و به هر سویی که می تواند وصل کند. در اینجا زاویه‌ی دید من نسبت به خیزش زن، زندگی، آزادی است که خارجه نشینان هرکدام به سهم خود « جریانات اپورتونیست چپ، اپورتونیست راست، سلطنت طلبان، مجاهدین، اعضا پالمان بورژوا امپریالیست‌های غربی ازاعضا احزاب سوسیال دموکرات‌ها، سبز‌ها ، سوسیال مسیحیان و ..» گاهن سوار بر این خیزش شدند، دلیلش هم روشن بود زیرا یک بدیل ضد سرمایه داری نبود. من از ابتدای این خیزش با کمی مکث نظرم را نوشتم که این شعار هرچند به یک خیزش عملی تبدیل شده اما این شعار کامل نیست و هر فرد و یا گروهی می تواند تفسیر و برداشت خودش را از این شعار داشته باشد. این خیزش اساسن هیئت حاکمه را مورد حمله قرار می داد و نه کل سیستم سرمایه داری را در صورتیکه آزادی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زنان با نابودی هیرارشی و پدر سالاری سیستم سرمایه داری شروع و عملی شود. بنا بر این بر این بستر بود که اپورتونیسم چپ و بخصوص اپورتونیست چپ به عنوان یک انقلاب از این خیزش یاد می کرد و یاد می کنند، زیرا این دست از احزاب و سازمان‌ها خواهان بدست آوردن حاکمیت سیاسی و سوار شدن بر سیستم سرمایه داری هستند و مبارزه‌ای جانانه و عمیق با کل سیستم سرمایه داری نمی کنند و فقط حاکمیت سیاسی را مورد حمله قرار می دهند. به با ور ما کارگران و مزدبگیران هدف انقلاب در ایران ودرهر نقطه‌ای از جهان تغییر سیستم در سیستم سرمایه داری است ونه تغییر درهیئت حاکمه. انقلاب در جوامع سرمایه داری مثل سیستم سرمایه داری در ایران بوسیله‌ی جنبش شوراهای کارگران و مزدبگیران برای تغییر انقلابی همزمان هیئت حاکمه و سیستم سرمایه داری به وقوع می پیوندد. در مورد خیزش زن، زندگی، آزادی ضروریست بیان کنم، زمانی که فرزندان طبقه‌ی کارگر و مزدبگیران وارد خیابان ها شدند و رژیم ارتجاعی سرمایه داری اسلامی را به چالش کشاندند، هنوز مبارزات کارگران و مزدبگیران هنوز در حال گذار بود و بدنبال متحدی نبود که بخواهد کار سیستم را یکسره کند البته خیلی ها جنبش ما را سرزنش می کنند که چرا طبقه‌ کارگر آستین بالا نزد و وارد اعتصابات سراسری شود و دست در دست فرزندان خود کار رژیم را یک سره کند، باید گفت که ما هنوز به آن نقطه‌ی دلخواه شما نرسیده بودیم هنوز هم نرسیده ایم، ما که نا امید نیستیم شماهم نا امید نباشید. یکسر کردن و تغییر سیتم سرمایه داری بوسیله‌ سازمان شوراهای کارگران و مزد بگیران ها و ابزارهای مبارزاتی که بوسیله‌ خود مزدبگیران ساخته و ایجاد می شود امکان پذیر است که البته اکنون ما در سطح جامعه کارگران و مزدبگیران شاهد مقدمات پی‌ریزی آن هستم. این جنبش از سال 1396 تا کنون یک حرکت تحولی و گذار را شروع کرده و هنوز پله‌های زیادی را جلوی روی خود دارد که از این گذار بگذرد و به نابودی سیستم فکر کند. نتیجه اینکه وقتی این جنبش در روند جستجو و تحول گذار از این وضعیت است چگونه می تواند در اتحاد و یا هدایت خیزش‌هایی مثل خیزش زن، زند، آزادی که هدفی را ارائه نمی دهد باشد. بنا براین برای هدفمند شدن این خیزش، این شعار را به این شکل طرح کردم : «زن، زندگی، آزادی حکومت شورایی » که البته حکومت شورایی وضعیت و کنش و واکنش انسان‌های انقلابی را در یک سیستم و ساختار در حال شدنی را نشان می دهد که می رود وضعیت موجود را نه تنها هیئت حاکمه بلکه سیستم سرمایه داری را هم نفی و ترد کند. البته منظور ازاین شعار، حاکمیت«یا اداره‌ی شورایی» یا شوراهای ضد سرمایه داری است و نه هر شورایی. این باور و وضعیت تکلیف ما را با زفرمیست‌های چپ و رفرمیست‌های راست و همچنین سلطنت طلبان و دیگر اقتدارگرایان حزبی و سازمانی و جانب داری بورژوا امپریالست‌ها را از این خیزش روشن‌ ترمی کند. حقیقت اینست که سازمان‌ها و احزاب چپ موجود ایران، باوری به شوراهای واقعی کارگران و مزدبگیران ندارند و این سازمان انقلابی را بعنوان ظرفی برای فعالیتهای حزبی و سازمانی به رسمیت می شناسد و این خود یکی از موانعی است که از جهت رفرمیست‌های چپ سالهاست تبلیغ و ترویج می شود. رفرمیستهای راست که اصولن به سندیکا و اتحادیه های رفرمیستی و اقتدار حزبی باور دارند. در این خصوص من در مطالب مختلف به نقد نظری احزاب و سازمان‌های اقتدارگرا پرداخته ام ودر آرشیو آزادی بیان، افق روشن و گزارشگران قابل دست رسی است. در اینجا ضروری است، که روند رشد و ایجاد شوراهای کارگران و مزدبگیران با روند رشد و ایجاد احزاب و سازمان‌های چپ تا 180 درجه فرق دارد و متفاوت است. ایجاد سازمان شوراهای کارگران و مزدبگیران یک روند رشد دموکراتیک از پایین و افقی، با خرد جمعی، سازمانی افقی و حرکت از پایین، ضد سلسله مراتبی و ضد سرمایه‌داری است. ساختار تحولی شوراهای کارگران و مزدبگیران روندی خود مختار، خود جوش و در روند مبارزه‌ی طبقاتی کارگران و مزدبگیران علیه سیستم سلسله مراتبی و استثمارگر کرفرمایان و در نهایت مبارزه بین کار و سرمایه شکل می گیرد. این روند آشکارا تناقضی پرنشدنی میان ساختار شوراهای کارگران و مزدبگیرن و احزاب و سازمانهای اقتدارگرا که به شیو‌ه‌ی سلسله مراتبی اداره می شود بیان می کند. در اینجا نتیجه می شود که خیزش‌هایی که سیستم سرمایه داری را نشانه نمی روند، نمی توانند متحد ما باشند ما کارگران و مزدبگیران، اعمال، حرکات و کارهایی را که به نام ما در قرن‌های 19،20 و قرن 21 که بوسیله‌ احزاب و سازمان‌های چپ و راست رفرمیست ادامه یافته و ادامه دارد را رد می کنیم، ما هر گونه شرکت در پارلمان بورژوازی درهر شرایطی را رد می کنیم ما به پارلمان بورژوازی و شرکت کنندگان در این پارلمان بعنوان دشمنان طبقاتی خود نگاه می کنیم. ما تصمیمات جمعی، خرد تصمیم گیری جمعی، خرد جمعی و مدت کوتاه خدمت نمایندگان شورا را برای مردم می خواهیم. من به این فکر می کنم که زمانی آزادی ما فراهم است که « آزادی زن و مرد در سطح سیاسی، اقتصادی و فرهنگی » فراهم و محیا باشد.

ما کارگران و مزدبگیرا جنبشی انسان دوست هستیم، اما انسان دوستی ما در نفی کار مزدی و برابری سیاسی، اقتصادی فرهنگی انسانها معنی و مفهوم پیدا می کند، در نتیجه انسان دوستی ما از مردم فلسطین نمی تواند به نام حماس و یا محمود عباس تلقی شود همچنین انسان دوستی ما در محکوم کردن حمله‌ حماس به مردم اسرائیل هم چنین آدم کشان و آپارتاید دولتهای سرمایه داری اسرائیل که از سوی بورژوا امپریالیسم جهانی بویژ بورژوا امپریالیست ‌های غرب معمور شده و به کشتار مردم فلسطین و لبنان مشغولند را محکوم می کنیم و میگوییم دست ارتجاع بورژوا اسلامیست‌ها و ارتجاع سرمایه داری جهانی: بورژوا امپریالیست‌های غرب به نمایندگی اسرائیل، بورژوا امپریالیست‌های شرق مثل چین روسیه و... و بخصوص حا کمان ارتجاع سرمایه داری جمهوری اسلام و دیگر حاکمان موجود در خاورمیانه » کوتاه.

ما کارگران ومزدبگیران خواهان محو خطوط جغرافیایی هستیم که انسان‌ها را در جهان به کشور‌های متعددی تقسیم کرده است ما خواهان اتحاد جهانی انسان ها هستیم. بنابر این بر این باور هستیم که مردم فلسطین و مردم اسرائیل متحدن می توانند برعلیه ارتجاع اسلامی و ارتجاع بورژوازی دولت سرمایه داری اسرائیل متحد شوند و جامعه‌ متحد خود را بنا کنند.

**زنده با شوراهای کارگران و مزدبگیران ضد سرمایه**

**زنده باد جهان بدون مرز و خط جغرافیایی**

**زنده باد اتحاد انسان‌های ضد سرمایه**

**علی برومند**

**آبان 1403- نوامبر 2024**